

و غیره زده نشود و تنها یک ضرب شست به اسرائیل نشان داده شود. بله نشان داده شد که ایران این توان را دارد که موشک‌های خودش را به اسرائیل برساند. اسرائیل کوچک و تقریباً یک‌هفتادم ایران است، بنابراین هدف بسیار مناسبی برای موشک است.

من پهبادهای را به دلیل گندی در نظر نمی‌گیرم و حتی موشک کروز، اما موشک‌های بالستیک شلیک شده که همه به هدف اصابت کرده، نشان‌دهنده این است که بازدارندگی ایران دقیقاً در آن مقیاسی که می‌گفت، وجود دارد و می‌تواند ظرف ۴۰۰ ثانیه، تعداد قابل توجهی موشک بالستیک را به سمت اسرائیل شکل کند و این از جهت نظامی، بازدارندگی دارد؛ هر چند ابعاد دیگری از بازدارندگی را نیز باید مورد توجه قرار دهیم.

چالش و موضوع شاخص در هر کنش خارجی ما همواره جنگ رسانه‌ای، روایت و دیپلماسی است و موضوع واکنش به اسرائیل در موضوع کنسولگری نیز از این قاعده مستثنی نیست و ما پس از ۱۳ آوریل شاهد نوعی هم‌نوایی دیپلماتیک و شکل‌گیری ائتلاف در لحظه در مقابل با حمله ایران بودیم.

ارزیابی شما چیست؟

ما اگر نقطه ضعفی داشته باشیم، که داریم، در ابعاد نرم و معنایی از قدرت و نه ابعاد سخت است؛ این مسئله نشان داده شده که آن چیزی که ما خیلی می‌شنویم در خصوص بازدارندگی نیاز به سلاح‌های متعدد وجود دارد، باوری غلط است. آن چیزی که حداقل گلوگاه الان ماست مسئله توانمندی است؛ توانمندی در ایجا و تثبیت یک گفتمان که بخشی از آن روایت اصلی است. برای مثال در خصوص غزه، الجزیره به تنهایی توانست این کار را صورت دهد و بخش قابل توجهی از آن بار معنایی را درست کرد و بخش قابل توجهی از افکار عمومی خبر، روایت و تحلیل خودشان را از الجزیره می‌گیرند و اما در موضوع ایران ما با ضعف‌های مختلف معنایی چه از جهت رسانه‌ای و چه دیپلماتیک مواجه هستیم. هر چند نمی‌خواهم این ضعف را در سیاست داخلی بدانم اما واقعیت این است که اگر شما کادرهای بالایی که به سیاست داخلی وصل هستند را فراموش کنید، در هر صورت ما در کادرسازی و نگاهی که به موضوعات معنایی داریم، مقداری غیرحرفه‌ای‌تر از موضوعات مهندسی و صنعتی است. در حوزه سیاست خارجی، موضوعات سخت از دید ما اصلی‌تر آمده و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کردیم و می‌بینیم که جواب گرفتیم و از هیچ، موشک کروز و بالستیک ساختیم و جزو سرآمدهای این حوزه هستیم چراکه سرمایه‌گذاری کردیم؛ اول توجه کردیم که این موضوعات مهم است و بعد روی آن سرمایه‌گذاری و صبر کردیم و یک پروژه ۲ تا ۳ دهه‌ای را در نهایت پیش بردیم و به نتیجه رسیدیم اما در موضوعات معنایی اینگونه نیست و خیلی قابل توجه سیستم تصمیم‌سازی ما قرار نگرفته است اما تأثیرش اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست.

در خصوص ائتلاف صورت گرفته علیه پهبادهای و موشک‌های ایرانی در حمله به اسرائیل، اردن به صورت مستقیم نقش داشت و برخی رسانه‌ها نیز از نقش آفرینی عربستان و امارات نیز سخن گفته‌اند؛ به‌طور کلی این واکنش تهران، چه تبعات منطقه‌ای در نوع نگاه و تعامل کشورهای عربی خواهد داشت؟

این امر هم فرصت و هم تهدید است؛ چنین ماجرابی با کشورهای عربی موجب می‌شود که اولاً اقتدار نظامی ایران بیشتر در ذهن‌شان تثبیت شود، ثانیاً، هر چند آن‌ها می‌دانند ایران قصد ندارد منازعه خودش را با کشورهای عربی بالا ببرد و بیشتر از موضوع ایران استفاده امنیتی‌سازی می‌کند اما در بُعد تهدیدآمیز می‌تواند فاصله تهران با همسایگانش را زیاد کند. برای اینکه فاصله زیاد و احتمالاً خصمانه نشود، باید نمایندگی‌های ما و اصولاً وزارت خارجه فعال‌تر باشند. البته نقص مهمی که ما داریم و تنها در خصوص امارات صدق نمی‌کند این است که تبادلات تجاری ما با کشورهای عربی هم چندان قابل توجه نیست و هم در حوزه‌های نفتی که ما نه شریک هستیم و نه خریدار و فروشنده، سطح همکاری‌های اوپک ما پایین آمده و نقش آفرینی ایران به واسطه تحریم‌های نفتی کم شده است و شاید به‌عنوان یک بازیگر خیلی بزرگتری، روسیه در اوپک بلاس به آن ورود کرده و این یک پدیده است که ما از دست داده‌ایم و در مبادلات دیگر تجاری و اقتصادی هم می‌توانستیم روابط را گسترش دهیم؛ به واسطه‌های مختلفی که هم آن‌ها قوی‌تر و هم ما تحت فشارهای تحریمی هستیم، این فرصت را از دست دادیم چراکه مهمترین تلافی‌کننده روابط و تثبیت‌کننده آرامش در روابط دو و چندجانبه، تجارت است و گارانتی اصلی برای هر توافقی همین ارتباطات هستند. هابز می‌گفت بدون شمشیر، حرف‌ها پوچ هستند اما واقعیت این است که در دنیای امروز، بدون اقتصاد، حرف‌ها پوچ هستند. ایران دارای صنایع مختلف و توان مهندسی و پزشکی بالایی است اما متأسفانه به جای اینکه ما بتوانیم صادرات خدمات داشته باشیم، صادرات نیرو می‌کنیم و بخشی از نیروی ما تبدیل به نیروی مهاجرتی شده است. آنچه می‌توانست اتفاق بیفتد این بود که تبادلات اقتصادی و تجاری ما موجب گارانتی ثبات در روابط باشد. همیشه ایران خوب است اما

نباید باعث ترس، امنیتی‌سازی و در نهایت فاصله گرفتن همسایگان و پناه بردن بیشتر آن‌ها به خصم‌های ایران به‌ویژه اسرائیل شود.

پس از توافق عادی‌سازی روابط میان امارات و اسرائیل، شاهد امضای یک توافق امنیتی میان دو کشور بودیم که امارات در مقطعی با توجه به اقدامات دولت افراطی نتانیاهو مجبور به تعلیق آن شد اما تهدید وجود چنین توافقی‌هایی میان همسایگان ایران و رژیم صهیونیستی همچنان وجود دارد. چگونه می‌توان این شرایط فعلی را مدیریت کرد که واکنش عکس نداشته باشد و سایر کشورهای منطقه را به سمت اسرائیل سوق ندهد؟

مسئله بسیار وابسته به این است که ما در ابعاد معنایی چگونه این موضوع را مدیریت کنیم؛ این ابعاد معنایی بیشتر در جهت دیپلماتیک که دست ما باز است، باید به‌گونه‌ای پیش برود که ما از این فرصت که ناخواسته برآیمان در ۷ اکتبر به وجود آمد و مانع از پیشبرد توافق ابراهیم شد، استفاده کنیم و نگذاریم بار دیگر به آن سمت پیش برود چراکه در سمت مقابل تقریباً همه دنیا موافق این توافق هستند برای اینکه تنش به ضرر آنهاست، در حالی که عادی‌سازی به ضرر ماست. برای اینکه بتوانیم همچنان جلوی روند عادی‌سازی را بگیریم باید بتوانیم روندی را آغاز کنیم که ماجرابی را که اسرائیل از سال ۱۹۹۱ آغاز کرده، معکوس کنیم که همان امنیتی‌سازی ایران به بهانه‌های مختلفی از جمله برنامه هسته‌ای ایران و غیره بوده که هدفش جان‌شینی ایران به‌جای خودش به‌عنوان تهدید اصلی منطقه بود و البته تا حدی هم موفق بوده تا فاصله ایران با اعراب را بسیار زیاد کند.

این کار و این مدیریت آسان نیست اما ممکن است و نیازمند یک طراحی، صبر و سرمایه‌گذاری است تا همان موضوع روایت را طراحی کنند و پیش ببرند. ما هیچ زمان این قصد را نداشتیم که همسایگان‌مان را بترسانیم، قدرت ما تثبیت شده است و نباید از جنس اعراب باشد و باید مسائل‌مان را در بسترهای مختلفی که وجود دارد با همسایگان رفع کنیم هر چند امنیتی‌سازی در دهه‌های گذشته کار را برای ما سخت کرده است. البته این همیشه سوال بوده که موضوعات منطقه‌ای نسبت به موضوعات جهانی ما مقدم هستند یا موخر؟ چراکه برخی معتقدند اول باید موضوعات را با آمریکا و غرب حل کرد و بعد موضوعات منطقه‌ای خود به خود حل می‌شوند و برخی می‌گویند اول باید موضوعات منطقه‌ای را حل کنیم. شما در برجام هم دیدید که عربستان سعودی و برخی کشورهای دیگر منطقه به مزاحم‌ها و منتقدان توافق تبدیل شدند.

دو سناریوی پیش روی تقابل تهران و تل‌آویو قرار دارد که نخست پایان منازعه در مقطع کنونی و بازگشت آن به سمت سایه و نیابتی است و سناریوی دوم ادامه این منازعه به این شکل و ورودش به فاز جدید نظامی است؛ در این سناریوی دوم چند مؤلفه برای ایران چالش‌زا خواهد بود که یکی توانمندی پدافندی اسرائیل است که هرچند پس از ۷ اکتبر و ۱۳ آوریل تا حدی هیمه‌ناش از بین رفته اما همچنان سطح بالایی از پدافند را برای این رژیم ایجاد کرده و در کنار آن نیز می‌تواند در لحظه ائتلافی را علیه واکنش‌های تهران ایجاد کند. معتقدید به کدام سمت حرکت خواهیم کرد؟

معتمد این موضوع در کوتاه‌مدت تمام شده است اما در میان‌مدت و بلندمدت به سیاست‌های مختلفی که در دنیا وجود دارد، وابستگی پیدا می‌کند چراکه امروز با اروپایی بسیار تندروتر از گذشته مواجه هستیم اما در واشنگتن این حمایت فعلاً از سیاست تهاجمی دولت اسرائیل حداکثری نیست و این دلایل مختلفی دارد؛ از جمله اینکه سال انتخابات پایین آمدن مشروعیت کابینه افراطی نتانیاهو است که به هر صورت این موضوعات، هزینه حمایت زیاد از اسرائیل را در افکار عمومی بالا می‌برد و کشورهای لیبرال‌دموکراسی نمی‌توانند دست به هر کاری بزنند و به همین دلیل هم می‌بینید که آقای باین گفت ما در تهاجم همراه اسرائیل نیستیم.

با این حال در میان‌مدت ممکن است اساساً بایدن تغییر کند و ممکن است سیاست‌هایی که آقای ترامپ دور دومی‌ها خودش می‌آورد، از جنس دیگری باشد و این حمایت و خطر بالقوه‌ای که این حمایت ایجاد می‌کند به همراه تمام المان‌های قدرتی که شما مطرح کردید، فشار را بر روی ایران زیاد کند. یک سیاستی در اسرائیل وجود دارد با عنوان «سیاست هزار خنجر» که براساس آن تلاش دارند ایران را در موضوعات مختلف تحت فشار قرار دهند و بالاخره این موجودیت بزرگ در جایی با هزاران خنجر کوچک از پا در می‌آید. ما یک تهدید فرهنگی هم داریم و اصولاً هر گاه در موضوعی برنده می‌شویم یا فکر می‌کنیم برنده شده‌ایم تا حدی محاسبه کردن را رها می‌کنیم و در ادامه نمی‌توانیم آن دقت نظر و پیگیری پیشین را داشته باشیم و سرمستی اتفاق می‌افتد و ما را غیردقیق

می‌کند. بنابراین باید مراقبت کنیم که از خودمان فریب نخوریم چراکه این یکی از ابوابی است که آدمیزاد از آن شکست می‌خورد. نباید فریب بخوریم و این نکته مهمی است که باید توان خودمان را بالا ببریم اما توان منحصر به مسائل نظامی و سخت نیست، باید تلاش کنیم تا مسئله امنیتی‌سازی ایران را به‌طور کلی شامل منطقه، هسته‌های و غیره را یک بار برای همیشه حل کنیم و این اصلاً به معنای عقب‌نشینی ما از مواضع‌مان نیست بلکه راهکارهای تخصصی دارد که چطور همان‌طور که می‌توان از هیچ، به موشک بالستیک رسید، می‌توان این روایت را هم در یک زمان محاسبه‌شده‌ای تغییر داد و این نیازمند اراده و تصمیم و طراحی و در نهایت اجرای پیگیرانه است.

پس از ۷ اکتبر و تحولات نزدیک به ۶ ماه اخیر، شاهد نوعی از بازیگری از سوی ایالات متحده بودیم که در تلاش بود در راستای مدیریت گسترش تنش چه به‌صورت کیفی و چه کمی، یک نوع همکاری مشخص را با ایران شکل داده و در برخی موضوعات مانند آنچه در پایگاه این کشور در مرز اردن رخ داد، که گمان می‌رفت با واکنش واشنگتن همراه باشد، از خود خویشتنداری نشان داد؛ آیا این سیاست ایالات متحده می‌تواند تعامل جدیدی را با ایران کلید بزند؟ این همکاری را چگونه تعریف می‌کنید؟

واقعیت این است که من فکر می‌کنم روابط ایران و ایالات متحده در دو سال گذشته به‌طور متعده‌انای در طرفین، در راستای عدم افزایش سطح تنش بوده و این مسئله را در آن توافق شفاهی شاهد بودیم چراکه هر دو طرف، از این مسئله منتفع هستند؛ به‌خصوص الان ایالات متحده در فاز انتخاباتی است بنابراین اصلاً نیازمند این نیست که بخواهد تنش جدیدی را ایجاد یا افزایش دهد. البته در این نوع رفتار یک تهدید هم وجود دارد و آن استخوان لای زخم‌های متعدد و حل نشدن موضوعات است؛ به این معنا که ترجیح خود من این نیست که موضوعات حل نشوند ولی تنش بیشتر نشود چراکه این در کوتاه‌مدت هزینه‌ها را برای ما کم می‌کند اما در درازمدت هر زمان آن‌ها بخواهند و موقعیتش را داشته باشند، تنش را زیاد می‌کنند. باید یک جایی در شرایطی که آنها امروز در منطقه دارند و درگیر انتخابات هستند، استفاده کنیم و استفاده می‌کردیم که موضوعات‌مان را به‌صورت پایهای حل می‌کردیم. بله، پس از ۷ اکتبر یک همکاری نه‌اما همنوایی بین تهران و واشنگتن شکل گرفت که در جهت عدم افزایش تنش بود اما مشخص نیست پس از انتخابات چه اتفاقی بیفتد، به هر حال ما پس از ۲۱ ژانویه با یک رئیس‌جمهور دور دومی سروکار داریم و می‌دانیم که با قطع بین دوره‌های مختلف، هیچ‌کس نمی‌تواند سه دوره در ایالات متحده رئیس‌جمهور باشد و در نتیجه رئیس‌جمهور بعدی چه در موضوعات جنگی و چه در موضوعات صلح اراده و توان بیشتری دارد و دغدغه دوباره رای گرفتن ندارد و بنابراین دور دوم حساس است ولی دست ما بسته است و از جایی به بعد به‌ویژه اگر آقای ترامپ بیاید کار برای ما سخت است و بهترین زمان پیش از انتخابات و الان است تا موضوعات را روی میز بگذاریم چراکه سود راهبردی چنین تعاملی تنها برای آمریکاست. گذاشتن موضوعات روی میز هم البته به معنای این نیست که می‌خواهیم همه را حل کنیم بلکه حتی می‌توانیم توافق کنیم که در برخی موضوعات هیچ توافقی با هم نداریم و نمی‌خواهیم آن‌ها را حل کنیم اما برخی مسائل می‌تواند در این چارچوب به سمت حل و فصل پیش برود و در این میان افزایش تنش برای ما رفع می‌شود چراکه آن‌ها هر زمان مشکلات خود را حل کنند می‌توانند هر زمان اراده کنند، فشارها را بر ما افزایش دهند.

آیا ۱۳ آوریل در نگاه غرب نیز تغییری ایجاد کرده و شاهد سیاست جدید در قبال ایران خواهیم بود؟
فکر می‌کنم ایالات متحده قائل به این بود که ایران حق مشروعی دارد و اگر به لایه زیرین مواضع نگاه کنید، همه تا حدی این هم‌ذات‌پنداری را با ایران دارند که هر زمان اماکن دیپلماتیک مورد تعرض قرار بگیرد، جبران می‌کنند و در نتیجه این حق را به ایران دادند و همانطور که دیدید پس از حمله ایران، مواضع‌شان این بود که حالا دیگر تمام شده و از نتانیاهو می‌خواستند پاسخ ندهد که نشان‌دهنده این بود که تلویحاً قائل به این هستند که ایران حق داشت. با این حال ممکن است به سمت فشارهایی از جنس کاهش فروش نفت علیه ما بروند که ما هم باید پیشنهادها را مختلفی را روی میز بگذاریم که از این امر پیشگیری کنیم. این در حالی است که دولت آقای باین دیگر تمایلی برای پای میز مذاکره با ایران آمدن از خود نشان نمی‌دهد اما می‌توان با پیشنهادها و جامع‌تری آن‌ها را به مذاکره جذب کرد. به این علت که دولت در ایران اصولگراست به‌نظم خوب است که این اراده را از خود نشان دهند. ما در چنین موضوعاتی باید ملی نگاه کنیم و فکر می‌کنم به نفع کشور است که در مسائل منطقه، غزه و یمن و البته هسته‌ای پای میز مذاکره برویم و با مذاکره کمی جامع‌تر به قول علما دفع شر مقدر کنیم.



رئیس‌امروز به اسلام‌آباد می‌رود

سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان اعلام کرد که سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران بنا بر دعوت رسمی نخست‌وزیر پاکستان برای بازدید سه‌روزه دوشنبه ۳ اردیبهشت به اسلام‌آباد سفر می‌کند. به گزارش ایرنا، ممتاز زهرا، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان، با صدور بیانیه‌ای گفت که سید ابراهیم رئیسی در صدر یک هیئت بلندپایه سیاسی-اقتصادی و برای دیدار با مقام‌های بلندپایه پاکستانی فردا به اسلام‌آباد سفر می‌کند. وی افزود که سفر رسمی ابراهیم رئیسی بنا بر دعوت محمد شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان صورت می‌گیرد و در طول این بازدید رئیس‌جمهوری ایران به شهرهای لاهور و کراچی نیز سفر خواهد کرد. ممتاز زهرا گفت که همسر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نیز در این سفر، رئیسی را همراهی خواهد کرد. سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد که رئیس‌جمهور ایران با همتای پاکستانی خود و همچنین نخست‌وزیر این کشور دیدار خواهد کرد و طرفین طیف گسترده‌ای از موضوعات مهم دوجانبه، همکاری‌های اقتصادی، تحولات منطقه‌ای، مسائل بین‌المللی از جمله جهان اسلام را مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد. ممتاز زهرا اعلام کرد که این اولین سفر یک مقام بلندپایه کشور در سطح رئیس‌دولت به پاکستان پس از برگزاری انتخابات این کشور و تشکیل دولت جدید است.



تکذیب رهگیری موشک‌های ایرانی توسط ترکیه

مرکز مبارزه با انتشار اخبار گمراه‌کننده ترکیه وابسته به اداره ارتباطات ریاست‌جمهوری این کشور، ادعاهای منتشرشده در برخی رسانه‌ها درباره رصد و رهگیری موشک‌های شلیک‌شده از ایران به مواضع ارتش اسرائیل در تاریخ سیزدهم ماه آوریل از طریق پایگاه راداری کوچاریک در استان ملایطه ترکیه را تکذیب کرد. این مرکز گفت که ادعاهای این باره «منعکس‌کننده واقعیت» نیست و «این ادعاهای بی‌اساس هستند و به‌صورت عمدانه دوباره مطرح شده‌اند.» در این بیانیه اشاره شده است که این ادعاهای دنبال دیدار رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، بار دیگر منتشر شده‌اند و این در حالی است که مرکز مبارزه با اخبار گمراه‌کننده ترکیه پیشتر نیز در واکنش به این ادعاهای این اخبار را تکذیب کرده بود. این مرکز در عین حال گفت اطلاعات دریافتی از سامانه‌های راداری در پایگاه کوچاریک تنها با متحدان ترکیه در چارچوب اقدامات سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به اشتراک گذاشته می‌شود و احتمال به اشتراک‌گذاری این اطلاعات با طرف‌هایی مانند اسرائیل که متحد ترکیه در ناتو نیستند، وجود ندارد.



تهدید از ۷ جبهه

در پی تصویب طرح کمک نظامی به اسرائیل در کنگره آمریکا، وزیر جنگ این رژیم یوآو گالاتان از حمایت «زلزل‌ناپذیر» رئیس‌جمهور جو بایدن از تل‌آویو تشکر کرد. وی در پیامی گفت: «درحالی‌که اسرائیل با تهدیدهایی در هفت جبهه از جمله ایران مواجه است، ایالات متحده آمریکا در کنار اسرائیل ایستاد.» مجلس نمایندگان ایالات متحده، شنبه یکم اردیبهشت با حمایت گسترده هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه با طرح کمک نظامی ۲۶/۴ میلیارد دلاری برای اسرائیل موافقت کرد

